

گونه‌شناسی ریشه‌های دشمنی غرب با امام هادی علیه‌السلام در چند سال اخیر

محمود مطهری نیا^۱

چکیده

با ظهور اسلام در چهارده سده قبل، موضوع تفاوت و تعارض شرق و غرب جلوه‌ای تازه یافت. غرب، شرق اسلامی را رقیبی توانا برای خود یافت. جهان غرب برای اولین بار در ضمن جنگ‌های صلیبی با فاطمیان و نه شیعیان دوازده امامی روبه‌رو شد. تا قرن‌ها پس از آخرین شکست صلیبی‌ها، تشیع دوازده امامی در حد گسترده‌ای برای غربیان ناشناخته ماند، تا اینکه با تاسیس سلسله صفویه شرایط عوض شد و با افزایش تماس‌های سیاسی، تجاری و فرهنگی جهان‌گردان اروپای غربی که در حد قابل توجهی به ایران سفر کردند و برخی نیز برای مدت‌های طولانی در آن‌جا ماندند. سال‌ها بعد، پیروزی انقلاب اسلامی ایران باعث شد، قابلیت‌های درونی و فوق‌العاده تشیع برای بحران‌سازی تمدن نوین بشری غرب جلب توجه نماید و همه فعالیت‌های علمی، سیاسی و نظامی را تحت الشعاع خود قرار دهد. پس از آن دو واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م و نیز پیروزی حزب الله لبنان در سال ۲۰۰۶م. عمل‌کردها در تقابل با اسلام را وارد دوره جدیدی نمود. علاوه بر آن، چندیست غرب هجمه‌ای عجیب و متمرکز را نسبت به وجود نازنین و بزرگوار امام هادی علیه‌السلام آغاز نموده‌اند که از جنبه‌های مختلف قابل مطالعه است. در نوشتار حاضر گونه‌های دشمنی و دشمنان و انگیزه‌های آنان از منظرهای سیاسی، اعتقادی و تاریخی مورد مطالعه و بررسی و دسته‌بندی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: امام هادی علیه‌السلام، امام مهدی علیه‌السلام، مهدویت، انتظار، غرب، انقلاب اسلامی ایران، شرق‌شناسی، اسلام‌ستیزی، شیعه‌ستیزی.

^۱ دانشجوی دوره دکتری مدرسی تاریخ و تمدن اسلامی و مدرس گروه معارف دانشگاه علامه طباطبایی رحمه الله علیه

مقدمه

معرفی اجمالی امام هادی علیه السلام و عصر ایشان

دهمین پیشوای شیعه و دوازدهمین معصوم، حضرت علی بن محمد، امام هادی علیه السلام می باشد. وی بنا به روایت کلینی، شیخ مفید (شیخ مفید، بی تا: ۳۰۷) و شیخ طوسی رحمه الله در نیمه ذیحجه سال دویست و دوازده هجری در اطراف مدینه و در محلی به نام صریا به دنیا آمد (طبرسی: ۳۵۵). در برخی از منابع تاریخی، تولد آن حضرت را بیست و هفتم ذیحجه و در بعضی دیگر، ماه رجب سال دویست و چهارده ذکر کرده اند (ر. ک: مجلسی، ج ۵۰: ۱۱۶ - ۱۱۳).

امام هادی علیه السلام در سال دویست و بیست هجری به سن هشت سالگی و پس از شهادت امام جواد علیه السلام بر مسند امامت نشست. مدت امامت آن بزرگوار سی و سه سال و عمر شریفش چهل و یک سال و چند ماه ذکر شده و در سال دویست و پنجاه و چهار در شهر سامرا به شهادت رسید. دوران زندگی امام با حکومت ۷ خلیفه عباسی همراه بود. پیش از امامت آن گرامی، با مأمون، معتصم برادر مأمون و در دوران امامت با ادامه حکومت معتصم و نیز با واثق پسر معتصم، متوکل برادر واثق، منتصر پسر متوکل، مستعین پسر عموی منتصر و معتز پسر دیگر متوکل معاصر بود و در زمان معتز به شهادت رسید (شیخ مفید، بی تا: ۳۰۷).

در حکومت متوکل، امام را به دستور آن طاغوت از مدینه به سامرا که در آن هنگام مرکز حکومت عباسیان بود، بردند و امام تا پایان عمر در سامرا اقامت داشت. امام هادی علیه السلام و فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام که در سامرا و در محاصره لشکریان زندگی می کردند، در تاریخ به «عسکرین» مشهور هستند (طبرسی: ۳۵۵). امام علی النقی علیه السلام چهار پسر و یک دختر داشت و پس از ایشان، فرزند گرامی اش امام حسن عسکری به امامت و رهبری امت رسید (همان).

معمولاً اطلاعات عمومی شیعیان درباره سیره و شخصیت این امام اندک بوده و بسیاری حداکثر اطلاعاتشان در این حدباقی مانده که ایشان دهمین امام شیعه است.

چندیست غرب حملاتی به ایشان را آغاز کرده که برای ریشه یابی این حملات، پس از نگاهی اجمالی به سیر تقابل غرب و مسیحیت با اسلام و تشیع به دلایل دشمنی غرب با امام هادی علیه السلام خواهیم پرداخت. در همین راستا، پرسشی که در پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ آن هستیم دلایل دشمنی غرب با امام هادی علیه السلام است که برای یافتن جواب از منابع تاریخی، رسانه ای و خبری استفاده کرده ایم. لازم به ذکر است باتوجه به جدید بودن دشمنی ها با امام هادی علیه السلام پژوهش حاضر در نوع خود از حیث تبویب و محتوا (به خصوص در بخش های گونه شناسی دشمنان، دشمنی ها و دلایل ستیز) یک نوآوری کامل به شمار می آید.

غرب، اسلام و تشیع

با ظهور اسلام در چهارده سده قبل، موضوع تفاوت و تعارض شرق و غرب جلوه‌ای تازه یافت. غرب، شرق اسلامی را رقیبی توانا برای خود یافت که ظهور این دین تازه نتیجه‌ای جز در هم چیدن سفره‌اش را دربرنداشت. این مطلب را هم از پیشگویی‌های تمام انبیا و پیشگویان دریافته بودند و شعارها و پیام‌های قرآنی و غیر قرآنی و... کاملاً گویای این بود. از همین رو در دو عرصه نظری (شرق‌شناسی) و عملی (نظامی) از هیچ اقدامی کوتاهی نورزیدند.

رویکرد نظری غرب به اسلام

از مطالعات نظری غرب درباره شرق با تعبیر شرق‌شناسی یاد می‌شود. متداول‌ترین مفهومی که از «شرق» در روزگار کنونی برداشت می‌شود، مفهوم فرهنگی آن است که عبارت است از روح حاکم و مشترک مجموعه‌های مختلف بشری در مشرق زمین (الویری: ۲۲)، که این نوع خاص از مفهوم شرق را خود شرقی‌ها نیز پذیرفته‌اند. (اسعدی: ۲۵؛ الویری: ۲۳).

از دیرباز و دوره‌های باستان و در آثار افرادی چون هرودوت می‌توان مشاهده کرد که تلاش‌هایی از سوی غربی‌ها برای شناخت شرق صورت گرفته است. برخی آثار ادبی و تاریخی پدید آمده در یونان و روم را می‌توان نمونه‌هایی از مطالعات شرقی نخستین شمرد؛ با این همه ظهور اسلام فصلی نو در روابط شرق و غرب گشود. با وجود به رسمیت شناخته شدن دین مسیحیت از سوی قرآن و برخورد‌های مسالمت‌آمیز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با مسیحیان و دولت‌های مسیحی، آنان موضعی خصمانه در برابر اسلام و مسلمانان اتخاذ کردند و تحت تاثیر این موضع، آثاری - ولو اندک - درباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، قرآن و مسلمانان پدید آوردند (الویری: ۳۸).

این رویه خصمانه پس از جنگ‌های صلیبی شدت بیشتری پیدا کرد، بنابراین شاید پربی‌راه نباشد اگر بگوییم «مطالعات اسلامی در غرب» تکویناً ضد اسلامی بوده و خاستگاهی اسلام‌ستیزانه داشته است. (اسعدی: ۱)

مطالعات اسلامی در غرب عمدتاً از سه جریان و پدیده متأثر بوده است:

۱- تحولات فرهنگی و سیاسی در غرب؛

۲- تحولات سیاسی و فرهنگی در شرق؛

۳- روابط شرق و غرب.

با توجه به این نکته و نظر به اهمیت دادن محققان حوزه شرق‌شناسی به هر یک از این سه جریان، دیدگاه‌های مختلفی در باب مراحل مطالعات اسلامی در غرب ارائه شده که از میان آن دیدگاه‌ها، آنچه مناسب‌تر به نظر می‌رسد، تقسیم آن به چند مرحله به شرح زیر است:

- ۱- مرحله دفاع (از ظهور اسلام تا قرن ۱۴)؛
- ۲- مرحله تبشیر (قرن ۱۶ - ۱۵)؛
- ۳- مرحله استعمار (قرن ۱۸-۱۷)؛
- ۴- مرحله تحقیق علمی (قرن ۲۰-۱۹)؛
- ۵- مرحله تفکیک مذاهب اسلامی و توجه ویژه به تشیع: جنگ نرم (پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹م)؛

- ۶- مرحله استعمار فرانسه و جنگ‌های صلیبی نوین (بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م)؛
- ۷- مرحله شکوفایی مجدد شیعه‌پژوهی (پس از نبرد ۳۴ روزه رژیم صهیونیستی و حزب الله لبنان ۲۰۰۶م).

در مرحله استعمار با پدید آمدن ابعاد تازه‌ای در روابط غرب و شرق مخصوصاً مسایل اقتصادی، نگاهی جدید با رویکرد اقتصادی به اسلام و شرق به وجود آمد. با افزایش ارتباطات در قرون اخیر، آغاز دین‌پژوهی علمی و افزایش مطالعات در مورد اسلام، «مرحله تحقیق علمی» پدیدار شد. در این مرحله در کنار رشد فزاینده مراکز مطالعات اسلامی و شرقشناسی، شاهد ورود غیراروپایی‌ها نیز به این عرصه هستیم.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران باعث شد قابلیت‌های درونی و فوق العاده تشیع برای بحران‌سازی تمدن نوین بشری غرب جلب توجه نماید و همه فعالیت‌های علمی، سیاسی و نظامی را تحت الشعاع خود قرار دهد. در گام اول جنگ سخت و نظامی هشت ساله عراق با پشتیبانی کشورهای بزرگ دنیا تلاش شد تا این حکومت نوپا سقوط کند. پس از ناکامی در این طرح، به طور ویژه طرح تهاجم فرهنگی و جنگ نرم در دستور کار قرار گرفت و طی سال‌های گذشته با الگو گرفتن از روش‌های سقوط اندلس اسلامی تلاش در اضمحلال جمهوری اسلامی در رأس برنامه‌های دشمنان این کشور قرار گرفت.

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر بسیاری از معادله‌های سیاسی و فرهنگی جهان تغییر نمود، در پی این تغییر، مطالعات اسلامی ویژگی‌های جدیدی یافته است که می‌توان آن را در بحثی جداگانه مورد بررسی قرار داد. در واقع غرب به رهبری امریکا با استفاده از قدرت رسانه‌ای و با مقاصد سلطه‌جویانه خویش، ادبیات تازه‌ای را در حیطه مطالعات اسلامی وارد نموده است (با تأکید بر بزرگ‌نمایی ابعاد ستیزه‌جویانه اسلام و با استفاده از واژه‌هایی چون تروریسم و بنیادگرایی)؛ بنابراین می‌توان آنچه را که در سال‌های اخیر از اسلام‌شناسی در غرب برداشت می‌شود، نوعی بازگشت به مرحله استعمار تلقی کرد.

اولین شکست سخت و سنگین رژیم صهیونیستی در عرصه نظامی طی جنگ ۳۴ روزه (۳۳ روز و ۱۸ ساعت) با حزب الله لبنان اتفاق افتاد و خطر تشیع بیش از پیش برای دشمنانش آشکار شد. اگر

کشورهای بزرگ و مهم عرب غیر شیعه، طی تنها شش روز، به راحتی از رژیم اشغالگر قدس شکست خورد، آن هم در شرایطی که این رژیم امکانات و تجهیزات امروزه‌اش را نداشت، طی این نبرد یک تشکیلات شبه نظامی، توانست علاوه بر مقاومت طولانی‌تر نسبت به نبرد قبلی، نتیجه نهایی جنگ را به نفع خود رقم بزند. این پیروزی خودبخود توجه بسیاری از مردم دنیا را به سمت شیعه معطوف ساخت و جایگاهی متفاوت و بالاتر به نسبت به قبل برای آنان فراهم آورد. نکته بسیار مهم در این ایام و سال‌های پس از رخداد جنگ یاد شده این است که تنها دولت رسمی شیعه دنیا به طور ملموس و مشهودی از لاک دفاعی بیرون آمده و تلاش قابل توجهی در راستای تقابل و تهاجم فرهنگی به تمدن غرب نموده و در همین راستا نبرد در عرصه شبه سخت (تحریم‌ها) و نرم غرب با ایران تشدید می‌شود. مجال پرداختن و تفصیل این موضوع در نوشتار حاضر موجود نیست و ناچار به همین مقدار اکتفا می‌شود.

نگاه بسیار اجمالی به سیر تحول آشنایی غرب با تشیع: از آغاز تاکنون

جهان غرب برای اولین بار در ضمن جنگ‌های صلیبی با فاطمیان و نه شیعیان دوازده امامی روبه‌رو شد. هرچند شاید به طور طبیعی با شیعیان دوازده امامی در سوریه و فلسطین برخورد کرده باشند ولی آن‌ها نه مانند فاطمیان در منطقه‌ای مستقل حکومت داشتند و نه مانند اسماعیلیه جلوه عرفانی؛ از همین رو برای نویسندگان صلیبی جذابیت کمتری داشتند.

اطلاعات اندک این نویسندگان درباره تشیع دوازده امامی با پیش‌داوری و تحریف مخدوش گشته است. حتی ویلیام^۲ اسقف اعظم صور و مورخ بزرگ پادشاهی صلیبی قرن ۱۲م. نظریات قابل توجهی که درباره ماهیت تسنن و اسلام فاطمیان داشته، هیچ اطلاعات چندانی درباره تشیع دوازده امامی نداشته است. وی در مقاله‌ای که چهار سال پیش از مرگش در ۱۱۸۶م. به رشته تحریر در آورده (۱۱۸۲م) گفته که شیعیان معتقدند که حضرت علی علیه‌السلام تنها پیامبر واقعی است که خدا می‌خواسته رسالت اسلام را بدو بسپرد که جبرئیل به واسطه خطای خودش و یا فریبی که خورد آن را به جای حضرت علی علیه‌السلام به حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله سپرد که احتمالاً آن را از امثال ابن حزم و ابن قتیبه گرفته بودند (Kohlberg, ۱۹۸۷).

تا قرن‌های پس از آخرین شکست صلیبی‌ها تشیع دوازده امامی در حد گسترده‌ای برای غربیان ناشناخته ماند، تا اینکه با تاسیس سلسله صفویه شرایط عوض شد و با افزایش تماس‌های سیاسی، تجاری و فرهنگی جهان‌گردان اروپای غربی که در حد قابل توجهی به ایران سفر کردند و برخی نیز

^۲ William.

برای مدت‌های طولانی در آن‌جا ماندند. هر چند هیچ‌کدام از آن‌ها علاقه‌ای به (مطالعه و بررسی) دین (مردمان این) کشور نشان ندادند، ولی با این حال مشاهدات عینی آن‌ها بسیار با ارزش است، حتی آن‌ها که با تعصبات تبلیغی (مسیونری) آمیخته شده است.

در میان این سفرنامه‌های انجام شده، مارکوپولو که از جمله برجسته‌ترین سیاحان بود، در فصل بیست و دوم سفرنامه‌اش ذیل عنوان «پیرمرد کوهستانی» به محل اقامت جمعی از شیعیان اسماعیلیه و نحوه زندگی آنان اشاره‌ای داشته است. پس از او تاورنیه در کتاب چهاردهم، فصل هفدهم از سفرنامه‌اش شرح کاملی از مذهب ایرانیان؛ عزاداری امام حسن و امام حسین و دیگر ائمه علیهم‌السلام و برخی از مسائل مربوط به آنان را ارائه می‌دهد و در فصل بعد نیز پس از سخن گفتن از دیگر گروه‌های مذهبی به موضوع اختلافات مذهبی در ایران می‌پردازد، تا جایی که می‌توان بیان او از شیعه ایران و یا حتی سایر سرزمین‌ها را یکی از حلقه‌های مهم شیعه پژوهی در غرب دانست. در ادامه این سفرها شاردن می‌باشد که او را بانی ایران‌شناسی خوانده‌اند (Kohlberg, ۱۹۸۷).

ساموئل بنجامین هم که اولین سفیر ایالات متحده در ایران بوده، در دو فصل کتاب خود (صص ۳۹۷-۶۴۶) به تفصیل از شیعه سخن می‌گوید. هر چند در این تفصیل به برخی از مسائل عالم تشیع به بیان اجمالی بسنده کرده که ناشی از جهالت او نسبت به تشیع پیش از سفر به ایران بوده است. و بالاخره نوردن هم در سفرنامه‌اش با عنوان «زیر آسمان ایران» به طور گذرا به توصیف شهرهای زیارتی و مقدس ایران و عراق و مباحث دیگری نظیر متعه، عزاداری شیعیان و... اشاره کرده است.

تنها شخصیت تشیع که خیلی زود توانست نظر محققان غربی را به خود جلب کند حضرت علی علیه‌السلام بود. آن هم نه به عنوان مؤسس تشیع بلکه اصولاً به عنوان ادیبی برجسته و شخصیت سیاسی صدر اسلام جلب نظر کرده بود. ژاکوبوس جولیوس^۳، از جمله پیشگامان مطالعات عربی در هلند، در گلچین ادبی خود - که در سال ۱۶۲۹ منتشر شد - برخی از گفتارهای حکیمانه حضرت علی علیه‌السلام را آورده است و فرموده‌های حضرت علی علیه‌السلام بعدها توسط سیمون اوکلی^۴ (به سال ۱۷۱۷)، کورنلیوس وان واین^۵ (به سال ۱۸۰۶) و ویلیام یول^۶ (به سال ۱۸۳۲) منتشر شد. یوهان ژاکوب ریسکه^۷ عربی‌دان بزرگ آلمان در قرن ۱۸، در حضرت علی علیه‌السلام یک نمونه کامل فضایل و روح عصر را متبلور دید تا جایی که او را با فیلسوف شاه، مارکوس آورلیوس^۸ مقایسه کرد. به نظر او حضرت علی علیه‌السلام دقیقاً راه

^۳ Jacobus Gilius.

^۴ Simon Ockley.

^۵ Cornelius van Waenen.

^۶ William Yule.

^۷ Johann Jakob Reiske.

^۸ King Marcus Aureius.

درازی را از دوزخ دانته طی کرده بود، که بنا بر عبارات دانته در طبقه اختلاف‌افکنان قرار داشته است (Kohlberg, ۱۹۸۷).

علی‌رغم تلاش‌های غربیان در طول قرون متمادی، متون شیعی اصلی همچنان برای برخی از بهترین محققان بنام آن دوره ناشناخته ماند. به عنوان نمونه شرق‌شناس مشهور انگلیسی ادوارد گرانویل براون^۹ نیز به نوبه خود در کتابش یک سال در میان ایرانیان نقل می‌کند که در طول بازدیدش از قزوین در ژوئن ۱۸۸۸ از یک شیخ قمی «درباره صحیح‌ترین و ارزشمندترین مجموعه سنن شیعی» می‌پرسد. به گفته او شیخ از دو اثر نام می‌برد: معراج السعاده که درباره آن توضیح بیشتری نمی‌دهد- و «یک اثر بسیار مفصل ۱۵ یا ۱۶ جلدی تالیف جمال‌الدین حسن بن یوسف بن علی حلی که بحارالانوار به معنای اقیانوس‌های نور نامیده می‌شود. این ماجرا به خوبی بر این دلالت می‌کند که براون اطلاعات چندانی در این رابطه نداشته است. البته این را هم باید متذکر شد که او در زمان وقوع این محاوره تنها ۲۶ سال داشته است و ۳۶ سال بعد در زمانی که براون چهارمین و آخرین جلد از تاریخ ادبیات ایران شگفت‌آور خود را تمام کرد، اثر مجلسی برای او کاملاً شناخته شده بود. این را نباید تنها بازتاب رشد شگرف دانش براون درباره تشیع بلکه شاید منعکس‌کننده این حقیقت نیز باشد که اولین چاپ سنگی کامل بحار در ایران در طول این سال‌ها نمایان شد.

در دهه ۶۰ قرن بیستم اوضاع رو به بهبود گذاشت. متون متعددی به خصوص در ایران و نجف منتشر شدند. تاریخ ایران مخصوصاً دوره‌های صفویه و قاجار با توجه بیشتری نسبت به جزئیات و افزایش استفاده از ابزاری که در علوم اجتماعی عرضه شده بود مورد مطالعه (مجدد) قرار گرفت. با این وجود مطالعات درباره تشیع دوازده امامی همچنان در پس مطالعات دیگر فرق اسلامی قرار داشت. در سال ۱۹۶۸ اولین کنفرانس بین‌المللی کاملاً مختص به تشیع دوازده امامی در استراسبورگ برگزار شد. که تا پیش از آن سابقه نداشت و البته کمتر از نیمی از شرکت‌کنندگان آن را می‌شد متخصص در اسلام شیعی دانست. یکی از ابعاد مهم کنفرانس حضور دو دانشمند و محقق شیعه در آن بود: دکتر سید حسین نصر از تهران که به جهت آثار متعددش درباره تشیع و تصوف مشهور است و رهبر شیعیان لبنان امام موسی صدر رحمت‌الله‌علیه بود که در روز ارائه‌اش مقاله‌ای به زبان عربی درباره جامعه شیعیان لبنان و سوریه قرائت کرد. خلاصه مقاله‌اش را که وعده داده بود به زبان فرانسه ارائه کند به جهت ربوده شدن او در لیبی هیچ‌گاه به ویراستاران نرسید و از روند پیشرفت کار جا ماند. به هر حال همکاری او در کنفرانس مرحله تازه‌ای را در گفتگوهای دوره‌ای میان محققان غربی و همتای شیعی‌شان رقم زد.

^۹ Edward Granville Browne.



کنفرانس استراسبورگ رویداد منحصر به فردی به شمار می آید. هر چند پیشرفت‌های مهمی در دهه بعد اتفاق افتاد ولی تا زمان پیروزی انقلاب ایرانیان همچنان تشیع موضوع اصلی مطالعات اسلامی قرار نگرفت که این واقعه همگان را مجبور کرد تا نگاهی تازه و همه جانبه به آن بیندازند (حسینی، مقدمه). پس از انقلاب اسلامی در ایران و ظهور دیگر جنبش‌های شیعی در جهان، توجه غرب به مطالعات شیعی بیش از پیش جلب شد. در طول سی و چهار سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می‌گذرد، ده‌ها همایش و کنفرانس علمی و سیاسی در گوشه کنار دنیا برگزار شده و از همه ابعاد سیاسی، فرهنگی، نظامی و... به آن پرداخته می‌شود.

رویکردهای نظامی غرب نسبت به اسلام و تشیع

در طول سال‌های یاد شده جنگ‌های متعدد و متفاوتی با کشورهای اسلامی و گاه شیعی به راه انداخته شد. شاخص‌ترین این نبردها را می‌توان در دوره جنگ‌های صلیبی یافت که حدود دو قرن ادامه یافت. جنگ هشت ساله با ایران، جنگ‌های ۶ روزه رژیم صهیونیستی با اعراب، ۳۴ روزه با لبنان، ۲۲ روزه غزه، لشکرکشی به عراق و افغانستان نیز اهم نبردهای نظامی غرب با جهان اسلام در نیم قرن گذشته به شمار می‌آید. البته این غیر از تحریم‌های روبه رشد و نیز تهاجم فرهنگی جنگ نرمیست که غرب تمام قامت علیه تمام دنیا و به خصوص جهان اسلام شروع کرده است. پرداختن به همه این تقابل‌ها و درگیری‌ها در وسع نوشتار مختصر کنونی نیست و خوانندگان را به مطالعه آثاری که به بررسی موارد یادشده پرداخته‌اند، ارجاع می‌دهیم.

غرب و دشمنی با امام هادی علیه السلام

چند سال که نه، بلکه چند ماهیست که غرب هجمه‌ای عجیب و متمرکز را نسبت به وجود نازنین و بزرگوار امام هادی علیه السلام آغاز نموده که می‌توان مجموعه این حملات را بر اساس روش و قالب مورد استفاده چنین دسته‌بندی کرد:

گونه‌های دشمنی با امام هادی علیه السلام

۱- جنگ سخت

در اقدامی کاملاً متفاوت با تمام قواعد متعارف ادیان و دنیا و نهادهای بین‌المللی و مناسبات انسانی در ۲۳ محرم ۱۴۲۷ حرم مطهر امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بمب‌گذاری و ویران شد. این



سرآغاز اتفاقات بعدی بود که همگان از آن غافل بودیم و آن را صرفاً یک اقدام درون دینی تصور کردیم!

۲- جنگ نرم

مرحله دوم هجوم به امام علیه‌السلام در عرصه‌های نرم افزاری راه افتاد که در ادامه گونه‌های مختلف آن را بررسی می‌کنیم:

۲-۱- ترویج اخبار، تصاویر و ادعاهای دروغین درباره ظهور

پیش از هر اقدامی تعدادی از شبکه‌های تلویزیونی و خبری اروپایی و بعضاً آمریکایی مدعی ظهور امام هادی علیه‌السلام و بازگشت ایشان با سفینه فضایی به زمین نمودند و در این راستا برخی گزارش‌ها و مستندنامه‌های خبری را با عنوان شکار لحظه‌ها، به تصویر گذاشتند. این اقدام را می‌توان اولین گام پروژه ستیز با امام هادی علیه‌السلام دانست که چندان مورد توجه رسانه‌ها و نهادهای داخلی قرار نگرفت و بسیاری از آن باخبر نشدند (برای نمونه ر. ک: سایت ردپاکلیپ که ضمن یکی از آثار خود این مطلب به اصطلاح خبری را گنجانده است).

۲-۲- استفاده در طنزها، کاریکاتورها و مطالب سخیف، مبتذل و موهن

گام بعدی تلاش در تحریف و توهین و تمسخر احادیث و آموزه‌ها و القاب و سیره اهل بیت علیهم‌السلام خاصه امام هادی علیه‌السلام و شخصیت ایشان بود. اوایل سال گذشته بود که در شبکه اجتماعی فیس بوک صفحه‌ای به نام «کمپین یادآوری امام نقی به شیعیان» ایجاد شد. نام و اثری از ایجادکنندگان صفحه وجود نداشت ولی در جایی نوشته بودند: «کاری است از جوانان ایرانی گمنام اما خلاق در سراسر دنیا و دیگر هیچ».

در مرام‌نامه خودشان هم نوشته بودند: «ما نه به سفارت‌خانه‌های خارجی وابسته هستیم و نه در پایگاه اشرف زندگی می‌کنیم. نه از اسرائیل و عربستان پول می‌گیریم و نه آمریکا برای ما امکانات فراهم کرده است».

با این که معلوم نبود چه کسانی بودند ولی رک و روراست قسمتی از هدفشان را گفته بودند:

«هدف شکستن تابوی تقدس دروغین دین اسلام است با زبان طنز».



کارشان را شروع کرده بودند. دهن کجی و توهین‌های زنده‌ای که خشم هر انسان دین‌دار و یا آزاده‌ای را برمی‌انگیخت. خودشان هم نوشته بودند: «این صفحه به مبارزه با خرافه‌پرستی در ایران اختصاص دارد. اگر شما شیعه متعصب هستید، ممکن است مطالب این صفحه شما را آزار دهد.»

عصاره بسیاری از شبهاتی را که در زمینه اسلام به گوش هر مسلمانی خورده بود در طنزهایشان آوردند. جسارت کردند و با تمسخر نوشتند: «قال امام نقی: هیچ کس و هیچ چیز آنقدر مقدس نیست که نتوان با آن شوخی کرد.»

تنها در یکی از سایت‌های شاخص فارسی زبان که وزارت خارجه رژیم صهیونیستی آن را اداره می‌کند. صدها مطلب از این دست را در آن می‌توان یافت و حقیقتاً در گستاخی و هتاک‌های هیچ مرزی برای خود باقی نگذاشته‌اند و حتی در حد اشاره هم نمی‌توان به محتوای این طنزها، تصاویر، کاریکاتورها و فیلم‌ها اشاره کرد. این عرصه هم چندان بازتاب داخلی نیافت که البته کاملاً بجا بود و هرنوع سخن گفتن از آن به نوعی ترویج و تبلیغ این مطالب سخیف به شمار می‌آید و آثار سوئی را به دنبال می‌آورد. البته تمسخر یکی از ابزار کهنه شیطان است که همواره در برابر انبیا مورد استفاده قرار گرفته است.

۲-۳- موسیقی و اشعار موهن

آنچه اذهان عمومی و خواص جامعه ما را به تهاجم فرهنگی غرب نسبت به امام هادی علیه السلام معطوف ساخت، آهنگ رپی بود که خواننده‌ای فارسی زبان در آلمان آن را اجرا نمود و هتاکانه به امام هادی علیه السلام، مهدویت و انتظار حمله کرد. سوگمندان باید بیان کنیم هرچند خواص و عوام شیعه از این اقدام رنجیدند و اعتراضاتی نسبت به این مطلب نمودند، اما پس از برگزاری مراسمی در اولین سالگرد شهادت امام هادی علیه السلام تمام احساسات مردم نسبت به این موضوع فروکش کرد و عموماً و شاید همه این عرصه را به فراموشی سپردند. حال آنکه هم اکنون همچنان طنزهای هتاکانه درباره ایشان به طور مرتب و با هر بهانه‌ای مانند گرانی ارز، بازی‌های المپیک، سخنان مسئولان کشور و... در حال تولید و انتشار است و به طور طبیعی باید منتظر اقدامات دیگر هم باشیم.

گونه‌شناسی دشمنان امام هادی علیه السلام

همه کسانی را که این روزها به دشمنی با امام هادی علیه السلام می‌پردازند نمی‌توان با یک چشم نگریست و لازم است میان آنان تفکیک قائل شد:



۱- دشمنان اعتقادی اسلام و تشیع

جریان‌های فراماسونری، یهود و صهیونیسم، مسیحیت اعم از کاتولیک و پروتستان به خصوص جریان مسیحیت صهیونیستی همواره در طول سال‌ها و قرون گذشته با اسلام و تشیع دشمنی داشته‌اند و از هیچ اقدامی در این راستا کوتاهی نورزیده‌اند و این دشمنی را بی‌شک می‌توان ادامه اقدامات پیش ایشان به شمار آورد. همانان که گاه نابودی ایران شیعی را زمینه‌ساز ظهور مسیح علی‌نینا و آله و علیه‌السلام می‌دانند.^{۱۰}

۲- دشمنان سیاسی - اقتصادی انقلاب، جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی عده‌ای در ایران حکومت را به دست گرفته بودند و از قبل آنان حکومت‌هایی دیگر در دنیا نیز منتفع بودند. تمام اینان که با استقرار حکومت اسلامی و نظام ولایت فقیه از منابع و ثروت‌های سرشار ایران بی‌بهره مانده‌اند، تلاش دارند با حمله به اساس حکومت اسلامی و جریان امامت منافع از دست رفته را بازپس گیرند.

۳- فریب خوردگان و جاهلان: دشمنان و مخالفان دولت جمهوری اسلامی ایران

همیشه در طول تاریخ پیاده نظام سردمداران کفر و نفاق را فریب خوردگان و جاهلان تشکیل داده‌اند. این جهالت باعث می‌شده که حتی همراهی سپاه حق را ترک نموده و به سپاه باطل بپیوندند. البته با اقدامات فرهنگی و روشنگرانه و تبیینی می‌توان عده‌ای از اینان را ارشاد نمود و به مسیر حق بازگرداند و نباید اینان را همانند دو دسته قبلی دانست. در این میان به طور شاخص می‌توان کسانی را مشاهده نمود که در انتقاد به سیاست‌ها و اقدامات اجرایی دولت و نه حکومت جمهوری اسلامی اعتراض خود را در این قالب ابراز می‌کنند. توجه داشته باشیم شعار تبلیغاتی دولت دهم در ایام انتخابات استفاده از عنوان دولت کریمه برای خود بود و رییس جمهوری بارها و به بهانه‌های مختلف در موقعیت‌های داخلی و خارجی از امام زمان علیه‌السلام، انتظار و ظهور سخن به میان آورده است. برخی برای مخالفت با ایشان به سبب ضعف اعتقادی پیشین خود چنین گستاخی‌هایی را روا می‌دارند.

^{۱۰} مطالعه آثار مربوط به جریان مسیحیت صهیونیستی و مواضع سردمداران آن مانند جری فالول و پت رابرتسون و نویسندگانی مانند گریس هالسل و رضا هلال می‌تواند در این راستا راهگشا باشد.

دلایل دشمنی با امام هادی علیه السلام

در این بخش تلاش می‌شود به قدر میسور و توان اندک خود از برخی علل دشمنی با امام هادی علیه السلام پرده برداری کنیم. این دلایل برخی عمومیت و در طول تاریخ حیات بشر وجود و استمرار داشته است، برخی بنا به اقتضائات زمانه ماست و برخی به شخصیت و سیره امام هادی علیه السلام به طور مشخص باز می‌گردد:

۱- دلایل اعتقادی: دین و ولی ستیزی در تاریخ

به استناد آیات قرآن، روایات و گزارش‌های تاریخی از زمان حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام جریان باطل همواره در طول تاریخ در تقابل با جریان حق و انبیا بوده و در این عرصه و برای تضعیف سپاه و سپاهیان حق از ابزارهایی استفاده می‌کرده که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱-۱- شبهه پراکنی و تضعیف باورها

شبهه پراکنی از قدیمترین ابزار است که برای تضعیف باورهای مؤمنان استفاده می‌شده است. بدیهیست اعتقادات و باور همه مردم در یک سطح نیست و بسیاری از اعتقادات سست و ضعیفی برخوردارند که به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام در کلمه قصار ۱۴۳ نهج البلاغه از آنان چنین تعبیر می‌کنند که «با هر بادی جابجا می‌شوند و تمایلاتشان تغییر می‌یابد...». اینان را به راحتی می‌توان با شبهه و پرسشی از راه به در نمود و برای رهایی از آنست که اسلام تأکید فوق العاده‌ای بر علم‌آموزی و تعقل نموده است. (برای نمونه ر. ک: کلینی، ج ۱، کتاب عقل و جهل و نیز کتاب فضیلت علم و علم‌آموزی (دوباب نخست کتاب)). البته چندیست تلاش‌هایی به ظاهر علمی نشان داده می‌شود تا اثبات کنند باور به ۱۲ امام اساساً در میان اسلام و شیعه وجود نداشته و با گذر ایام به تدریج این موضوع در میان شیعیان تکامل یافته است (Kohlberg, ۲۰۰۹). بدیهیست با این نگاه به مرور ایام و طی سال‌های آتی باید منتظر باشیم که هادی باوری و مثلاً فرقه هادویه یکی از فرق تشیع به شمار آید.

۲-۱- فرقه‌سازی از طریق بدل‌سازی و ساختن شبیه برای اولیای دین

با مطالعه تاریخ به وفور می‌توان مواردی را یافت که در کنار انبیا و اولیا عده‌ای مدعی نبوت، امامت و وصایت شده و افرادی را به دور خود جمع کرده‌اند. از اینان با تعبیری چون متنبیان و متمهدیان یاد می‌شود. البته همیشه فرقه‌ها از این طریق به وجود نیامده‌اند و در برخی موارد می‌توان



مشاهده نمود که عده‌ای پس از مرگ شخصیتی او را بزرگ‌تر از آنچه بوده نمایانده‌اند و در پی آن به تأسیس فرقه مبادرت کرده‌اند. شاید بتوان مهم‌ترین و شاخص‌ترین این دست فرقه‌سازی‌ها را جریان اسماعیلیه مثال زد که پس از مرگ اسماعیل پسر امام ششم علیه‌السلام رخ داد. فرقه‌سازی‌های معاصر غرب در جهان اسلام و تشیع موضوع مفصلی است که مجال جداگانه می‌طلبد و در اینجا به همین مقدار اکتفا می‌شود که می‌توان محتمل دانست غرب در تلاش بدل‌سازی برای امام عصر علیه‌السلام در میان شیعیان است و با مراجعه به تاریخ می‌توان این احتمال را قائل شد که در دوره و سال‌های آتی بعید نیست در میان شیعیان شاهد اعتقادی از این جنس باشیم! لازم به ذکر است علاوه بر امام هادی علیه‌السلام، این روزها تلاشی جدی بر مهدویت و قائمیت اسامه بن لادن نیز بودیم (Furnish, 2005).

۳-۱- تقدس‌زدایی و حرمت‌شکنی از طریق تحریف، تصحیف و تمسخر باورها

به طور طبیعی انسان‌ها برای موضوعات و شخصیت‌های مورد احترام خود حریمی قائل می‌شده‌اند و در مقابل در بسیاری موارد افراد نامطلوب خویش را مورد تحقیر و توهین قرار می‌داده‌اند. از جمله ترفندهای قدیمی برای مبارزه با انبیا و اولیا در طول تاریخ تقدس‌زدایی و حرمت‌شکنی آنان بوده است. به تصریح قرآن همه انبیا متهم به سحر و جادو بوده‌اند (سوره ذاریات (۵۱)، آیه ۵۲). در جریان مورد مطالعه ما امام هادی و امام زمان علیهما‌السلام نیز از این قاعده کلی مستثنا نبوده و نیستند. هم‌اکنون توهین به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت مسیح علی‌نبینا و آله و علیه‌السلام هجمه‌ای عادی از ناحیه صهیونیست‌ها به شمار می‌آید.

۲- دلایل سیاسی: با توجه به شرایط معاصر دنیا و جمهوری اسلامی

علاوه بر دلایلی که در طول تاریخ وجود داشته، برخی دلایل متأثر شرایط زمانه و دوره‌ایست که در آن به سر می‌بریم. در اینجا به اهم این دلایل می‌پردازیم:

۲-۱- تمرکز دشمنی‌ها

دشمنان و دشمنی‌هایشان با اسلام و تشیع نه مطلب تازه و جدیدیست نه در این مجال مختصر می‌توان به تفصیل از آن سخن گفت. در اینجا تنها به یادآوری این نکته اکتفا می‌شود که هر از چندگاهی دشمنان روی موضوع، شخصیت یا مکانی خاص تمرکز می‌کنند، تا بازدهی اقدامات خصمانه خویش را بالا ببرند. اکنون بنا به مجموعه دلایل بیان شده در نوشتار حاضر، این تمرکز بر شخصیت و نام امام هادی علیه‌السلام اتفاق افتاده است.



۲-۲- انحراف اذهان مخاطبان از امام مهدی علیه‌السلام و ظهور ایشان

بنا به دلایل متعدد و مفصل و شواهد و قرائنی که پیش از این در دیگر آثار و نوشتارها بیان شده (برای نمونه ر.ک: الساده، فصل اول؛ شفیع سروستانی، پیشگویی‌ها و آخرالزمان (فصول مختلف)؛ فاطمیان، نشانه‌های پایان؛) نشانه‌های آخرالزمان و ظهور امام علیه‌السلام بیش از دوره‌های قبل قابل رصد و مشاهده است و همزمان با آن توجه به مهدویت، ظهور و امام علیه‌السلام بیشتر شده است. جلوه این اقبال بیشتر را در رشد تصاعدی انتشارات و جلسات مهدوی و توجه به اماکن و زیارتگاه‌های مهدوی مانند مسجد جمکران و سهله و... می‌توان مشاهده کرد (الساده، فصل اول). نتیجه طبیعی قداست‌زدایی از مهدویت و انتظار حتی به بهانه توهین به امام هادی علیه‌السلام و دامن زدن به شبهات درباره انتظار و منجی‌گرایی انحراف اذهان از نام و یاد امام علیه‌السلام خواهد بود.

۲-۳- به وجود آوردن استبعاد ذهنی و شاید عملی درباره ظهور

همان‌طور که در تاریخ آمده فرعون و نمرود تمام تلاش خود را برای جلوگیری از ولادت و ظهور دو پیامبر خدا در آن زمان به کار بردند در دوره کنونی هم دشمنان از همین قاعده پیروی می‌کنند. نوع فیلم‌ها و طنزهایی که درباره ظهور امام هادی علیه‌السلام تا کنون پخش شده به طور ضمنی شبهاتی را درباره وسیله حرکتی امام علیه‌السلام، شیوه حفاظت از جان خویش در برابر دشمنان و... را در بر دارد و بیننده سست ایمان را دچار مشکلات جدی درباره ظهور امام علیه‌السلام می‌سازد.

۲-۴- گفتگو از امام علیه‌السلام عصر در دولت‌های نهم و دهم بخصوص در عرصه بین‌الملل و

سازمان ملل

بعد از اولین نوبت حضور رییس جمهوری در سازمان ملل و قرائت دعای فرج و یادکرد از امام علیه‌السلام در آنجا آثار متعددی علیه آن حضرت به رشته تحریر درآمد و ایشان را مصداق همان دجال موعود مسیحیت خواندند (see: Spruill).

۳- دلایل تاریخی: سیره و شخصیت امام هادی علیه‌السلام

علاوه بر مواردی که تا کنون بررسی شد بخشی از دلایل را می‌توان ناظر به سیره و شخصیت امام هادی علیه‌السلام در نظر گرفت. به عبارت دیگر در این قسمت از نوشتار دنبال یافتن پاسخ این پرسشیم که چرا در میان ائمه علیهم‌السلام، امام هادی علیه‌السلام به عنوان هدف تهاجمات انتخاب شد؟



۳-۱- نقش کلیدی در ماجرای امام عصر علیه‌السلام: انتخاب و شناسایی همسر امام

عسکری علیه‌السلام

اگر شناسایی و انتخاب همسر امام عسکری علیه‌السلام و تربیت این بانوی مسیحی تا موقعیت مادر امام شدن (در این رابطه رک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲ ص ۴۱۷) را تنها نقش و اقدام امام هادی علیه‌السلام در ماجرای ولادت امام عصر علیه‌السلام فرض کنیم، خود اقدامی بزرگ و اثر بخش به شمار می‌آید و اگر انجام نمی‌شد، شاید اساساً امام زمانی متولد نمی‌شد که به بقیه ماجراها منجر شود.

۳-۲- برخورد قاطع و ترور غالیان

امام هادی علیه‌السلام برای حفظ اتحاد جامعه، تفرقه‌افکنان را طرد و آنان را که دارای اندیشه‌های منحرف بودند، به جامعه معرفی می‌کرد و در موارد لزوم بدون هیچ اغمازی با آنان برخورد می‌کرد و دستور برخورد به دیگران را نیز می‌داد. توجه داشته باشیم غلو از جمله ابزار است که به راحتی باورهای مردم را می‌تواند دچار آسیب کند و از همین رو همواره مورد عنایت دشمنان بوده است.

محمد بن عیسی می‌گوید: امام علی النقی علیه‌السلام در نامه‌ای به من نوشت: خدا علی حسکه قمی و قاسم یقیننی را لعنت کند! شیطان به نظر قاسم آمده و با القای سخنان فریبنده، او را مغرور کرده است (کشی: ۵۱۸).

در این نامه امام هادی علیه‌السلام آن دو را لعن و طرد کرد؛ زیرا آن‌ها با ادعاهای غلوآمیز و سخنان گزافه، به دنبال ایجاد تفرقه در میان شیعیان بودند. فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی در ابتدا از یاران نزدیک امام هادی علیه‌السلام و نماینده آن حضرت بود؛ اما بعدها هواهای نفسانی و حب ریاست و دنیاپرستی باعث خروج او از مسیر حقیقت شد و به ترویج بدعت و اعتقادات کفرآمیز و انحراف مردم از حق پرداخت و عملاً در صفوف شیعیان دو دستگی ایجاد کرد؛ زیرا مردم گمان می‌کردند که او هنوز در سلک یاران امام علی النقی علیه‌السلام باقی مانده و نماینده آن حضرت است.

۳-۳- تبیین خط امامت تا آمدن امام مهدی علیه‌السلام

هرچند امام هادی علیه‌السلام و امام عسکری علیه‌السلام به واسطه حصری که دچارش بودند، عملاً امکان برقراری رابطه نزدیک با شیعیان و تبیین اعتقادات و احکام را نداشتند و علاوه بر آن، این احتمال وجود دارد که به سبب اختناق موجود در آن دوره بسیاری از روایات نقل شده از ایشان به دست ما نرسیده باشد، لیکن با این حال در لابه‌لای روایاتی که از ایشان در اختیار ماست می‌توان این نکات را دریافت:

- معرفی امام پس از خود؛

- معرفی امام آخرین؛



- تبیین غیبت امام دوازدهم علیه السلام؛

- مشکلات شیعه در دوره غیبت و وظایف آنان در این راستا؛

- (برای نمونه ر. ک: کلینی، ج ۱: ۳۴۱؛ ابن بابویه: ۳۷۹-۳۸۳).

همان طور که مشاهده می‌شود هرچند تعداد این روایات انگشت شمارست اما آنچه را باید بیان می‌شده، ضمن آن‌ها می‌توان مشاهده کرد.

۳-۴- زمینه‌سازی زیرکانه و عملی برای غیبت

از جمله اقداماتی که امام هادی علیه السلام برای آماده‌سازی زمینه غیبت حضرت مهدی علیه السلام انجام دادند، در پرده‌روی گام به گام از شیعیان بود. این واقعیت با توجه به کلامی که «مسعودی»، در «اثبات الوصیه» آورده است به خوبی روشن می‌شود، او می‌گوید:

«امام هادی علیه السلام از بسیاری از موالیان خود، به جز معدودی از خواص، دوری می‌گزید و زمانی که امر امامت به امام حسن عسکری علیه السلام منتهی شد، آن حضرت از پس پرده با خواص و غیر آنان سخن می‌گفت، مگر در اوقاتی که به قصد خانه سلطان سوار بر مرکب می‌شد.»

امام هادی علیه السلام در لابلائی سخنان خود تلویحا می‌فرماید: پس از من فرزندی «حسن» علیه السلام است پس چگونه خواهد بود برای توده‌ی مردم جانشین بعد از او؟ گزارشگر سؤال می‌کند مولای من چگونه خواهد بود؟ امام می‌فرماید: او دیده نمی‌شود و نام او نیز صلاح نیست برده شود، تا وقتی که قیام کند و زمین را پر از عدل و امن نماید، پس از آن که آلوده به سراسر ستم و ظلم شده باشد.

از دیگر سخنان پوشیده و پیچیده امام هادی علیه السلام در این مورد این که می‌فرماید: «هرگاه علم و دانش از پشت شما برخیزد، آنگاه از زیر پای خود در انتظار فرج باشید.» و همو می‌فرماید: «چه چیز خواهد بود برای شما در مورد خلف پس از خلف.»، پر واضح است که اینگونه بیانات پوشیده و مبهم به چه میزان به سود حفظ وجود حضرت مهدی علیه السلام تمام خواهد شد، امام حتی آن را از یاران و دوستان خود نیز مخفی نگه می‌دارد، چرا که آنچه اصل است و اهمیت شایان در وجوب دارد، رعایت و حراست باور و اعتقاد به وجود قائم منتظر آل محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد و اینکه حضرتش دومین رهبر و امام پس از امام هادی علیه السلام خواهد بود، اینجاست که مفهوم خلف بعد از خلف روشن می‌شود اما نه آنگونه که تصریح در شناخت آن حضرت داشته باشد، زیرا خوب می‌دانیم که ظرفیت پیروان و یاران امام در رعایت ضرورت تقیه و رازداری و ایستادگی در مقابل تهدیدات و شکنجه‌ها فرق دارد، چون وقتی می‌دانیم که رژیم در صدد دستیابی و نابودی امام مهدی علیه السلام می‌باشد، بدیهی است که باید نام، مکان، زمان و تمام و ویژگی‌ها و هویت‌های آن پیشوا از اذهان و افراد پنهان باشد (برای مطالعه متن روایات ر. ک: ابن بابویه: ۳۷۹-۳۸۳).

۳-۵- تبیین صریح اعتقادات شیعه به خصوص زیارت جامعه کبیره

در سخت‌ترین دورانی که اختناق همه جا را فرا گرفته بود و امامان معصوم^{علیهم‌السلام} تحت نظر بودند و به شدت حرکات و گفتار آن‌ها کنترل می‌شد، حضرت هادی علیه‌السلام از دعا و زیارت بیشترین استفاده را برد و در لابه‌لای آن‌ها و به خصوص زیارت جامعه کبیره مسائل مهم امامت را بیان کرد. زیارت جامعه کبیره متقن‌ترین متن در «امام‌شناسی» است. زیارت جامعه که دارای مضامین بسیار عالی است و از زبان امام هادی علیه‌السلام و در پاسخ به خواسته یکی از ارادتمندان اهل بیت علیه‌السلام صادر شده، اگر چه به شیوه خطابی و گفتاری است؛ اما درحقیقت بیانگر مقام والای امامت است که از طرف امام معصوم^{علیه‌السلام} بیان گردیده است. صحت صدور و ارزش سندی کم نظیر است (مجلسی: ۱۴۴). متن زیارت جامعه کبیره به گونه‌ای است که هر منصفی، صدور این معارف بلند را از غیر معصوم محال عادی می‌داند. افزون بر آن که خطوط کلی آن را با خطوط کلی معارف قرآن کریم - که مرجع نهایی در بررسی روایات است - هماهنگ می‌بیند و این، چیزی است که ما را از بحث سندی آن بی‌نیاز می‌کند (جوادی آملی، ج ۱: ۸۸).

۳-۶- شباهت لقب: هادی و مهدی

از جمله ویژگی‌های ظاهر و بارز امام هادی علیه‌السلام شباهت ایشان با امام مهدی علیه‌السلام است. هرچند همه ائمه علیهم‌السلام با این دو لقب توصیف شده‌اند، لیکن شهرت امام دهم علیه‌السلام به هادی و امام دوازدهم علیه‌السلام به مهدی است و بعید نیست این نکته در توجه به امام هادی علیه‌السلام مورد توجه قرار گرفته باشد.

۳-۷- تربیت همسر جهت رهبری شیعه در ابتدای غیبت

مادر امام حسن عسکری علیه‌السلام، از جمله مادران ائمه اطهار علیهم‌السلام بود که نقش اساسی و مهمی در جریانات سیاسی - اجتماعی پس از شهادت امام علیه‌السلام داشت. نقش پررنگ او را می‌توان در دو مقطع مورد بحث قرار داد:

الف - پیش از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام؛

ب - پس از شهادت آن امام علیه‌السلام؛

بنابر گزارش‌های تاریخی و روایات، امام حسن عسکری علیه‌السلام پیش از شهادت، روزی با مادر خویش، خدیث، درباره وقایع سال ۲۶۰ و شهادت و مسموم شدنش سخن گفت و او را از اخبار و رویدادهای این سال آگاه کرد، سپس مهدی موعود علیه‌السلام، آخرین وصی الهی را به او سپرد تا از سامراء

خارج کند و برای سفر حج به مکه برود (صَفَّار قمی: ۵۰۲). با قدری دقت در اوضاع سال‌های ۲۵۹ و ۲۶۰ می‌توان به سیاسی بودن این حرکت پی برد. سفر حج این بانو، که به امر امام علیه السلام صورت گرفت، تنها یک سفر عبادی و معنوی نبود، بلکه برای حفظ ولیّ خدا و آخرین گنجینه الهی، حضرت بقیه الله علیه السلام صورت گرفت و انتخاب این عنوان برای تنش زدایی و زدودن حساسیت دستگاه خلافت بود. از روایت یادشده، که راوی اصلی آن خود حُدَیث - با کنیه امّ ابی محمد - است، چنین برداشت می‌شود که این بانو برای امام علیه السلام قابل اطمینان بود و حتی نسبت به بسیاری از مردان مورد وثوق حضرت، که برخی از وکلای ایشان به شمار می‌آمدند و زنان علویه‌ای که در کنار ایشان بودند، بیشتر مورد توجه امام بود و شهادت و عظمت روحی وی برای امام علیه السلام اثبات شده بود.

این بانوی بزرگوار از زمانی که وارد خانه امامت و ولایت شد، یعنی پیش از سال ۲۳۰ ه. که به نقلی تاریخ میلاد امام حسن عسکری علیه السلام فرزند اوست با مشکلات و فشارهای روانی و سیاسی، که از سوی دستگاه خلافت و دشمنان اهل بیت علیهم السلام بر او وارد می‌شد، مواجه بود. اختناق و تحت نظر گرفتن خانواده امام، بازداشت امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام در بین سال‌های ۲۳۰ تا ۲۶۰ - یعنی به مدت ۳۰ سال که حُدَیث در خانه امام زندگی می‌کرد - و جاسوسانی که پیوسته به صورت محسوس، یا نامحسوس خانه امام را تحت نظر داشتند، برای بانوان منزل، مشکلاتی به همراه می‌آورد. افزون بر آن، در خانه‌ای که ملجأ و پناه شیعیان بود و اسرار در آن بیان می‌گردید، باید زنان این خانه نیز محرم اسرار بودند و در صورتی که مثل حُدَیث فعال بودند - نه منفعل - به طور پنهانی به فعالیت‌های سیاسی خود می‌پرداختند و بازوی همسر انقلابی خود بودند. در واقع، می‌توان گفت: خطرهایی که بر سر راه زنان و مادران رهبران و مردان بزرگ وجود دارد کمتر از مخاطره‌های موجود بر سر راه خود رهبران جامعه نیست و با یک تصویر ذهنی از موقعیت این‌گونه مردان، می‌توان به وضعیت زنان آنان نیز پی برد.

به هر حال، حُدَیث علاوه بر نقش تربیتی و پرورش فرزندی همچون امام حسن عسکری علیه السلام به مبارزه نیز می‌پرداخت و حتی ممکن است به خاطر جنسیت او، که کمتر موجب ایجاد حساسیت سیاسی می‌شد، در موارد مهم و مخاطره‌آمیز از وجود او استفاده شده باشد؛ مانند سپردن امام زمان علیه السلام به او و رهسپار شدن به مکه.

در مورد نقش سیاسی - اجتماعی حُدَیث پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام باید به دو گزارش مهم و مستند اشاره نمود:

بنا بر روایات و نقل‌های تاریخی، امام حسن عسکری علیه السلام تنها حُدَیث را وصی خود قرار داد، با آنکه هم فرزند داشت و هم برادرش جعفر در قید حیات بود، و قاعدتا باید برادرش را وصی قرار می‌داد. ادعای وصیت حُدَیث نزد قاضی اثبات شده بود و از این‌رو، بخشی از اموال آن حضرت به وی

داده شد. (کلینی، ج ۱: ۵۰۳؛ ابن بابویه: ۴۳) لازم به ذکر است که اموال امام افزون بر خانه آن حضرت، شامل موقوفات و صدقات شیعیان نیز بود که باید صرف امور شیعیان می‌شد و آن حضرت حَدِيث را لایق این مسئولیت دیده بود (طیبی: ۲۳).

شیخ مفید در کتاب فصول العشره، که در آن به ده شبهه مهم زمان خود درباره امام علیه‌السلام پاسخ می‌دهد، پس از نقل ماجرای وصی قرار دادن حَدِيث از سوی امام، به ذکر دلایل عقلی و نقلی این کار می‌پردازد و از این حرکت به عنوان یک اقدام سیاسی یاد می‌کند (مفید: ۴۶). معلوم می‌شود در زمان این متکلم شیعی نیز معلوم و مشهود بوده که مادر حضرت، وصی اوست.

در برخی از نقل‌ها، جریان وصی قرار دادن حَدِيث را مشابه وصایت حضرت زینب علیها‌السلام از امام حسین علیه‌السلام دانسته‌اند و در روایتی حکیمه به این تشابه، تصریح می‌کند. در روایتی از احمد بن ابراهیم آمده است: وی پس از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام نزد حکیمه رفت و از اعتقاد او درباره امامت پس از امام حسن عسکری علیه‌السلام پرسید. حکیمه در پاسخ گفت که به حجّه بن الحسن علیه‌السلام اقتدا می‌کند. وی از محل و شخصیت امام زمان علیه‌السلام پرسید. حکیمه گفت: از دیدگان پنهان است. احمد بن ابراهیم پرسید: پس شیعه به چه کسی پناه ببرد؟! حکیمه پاسخ داد: به جدّه، مادر ابو محمد علیه‌السلام. او گفت: آیا من به کسی اقتدا کنم که یک زن را وصی خود قرار داده است؟! حکیمه با درایت و درک وسیع خود پاسخ داد: به حسین علیه‌السلام اقتدا کن که خواهرش زینب را وصی خویش قرار داد (کلینی، ج ۱: ۵۰۳؛ ابن بابویه: ۵۰۷).

یکی دیگر از نقش‌های سیاسی - اجتماعی و تأثیرگذار حَدِيث پس از شهادت امام علیه‌السلام تدبیر ویژه او در مورد ادعای حمل یکی از کنیزان است. البته بنا بر برخی گزارش‌ها، این ادعا از سوی صقیل (نرجس)، مادر امام زمان علیه‌السلام مطرح شد و بنا بر برخی دیگر، به امر حَدِيث چنین حرکتی صورت گرفت. وجه جمع این دو گونه گزارش می‌تواند این باشد که طرح اصلی آن از سوی حَدِيث بوده و صقیل با صلاح دید وی اجرا نموده است. منابع شیعی و اهل سنت به این ادعا و مسائل و پیامدهای پس از آن اشاره کرده‌اند. اگرچه ممکن است این حرکت به ظاهر سیاسی نباشد، اما با اندکی دقت بر پیامدهای آن، می‌توان به اهداف سیاسی این عمل پی برد. به طور خلاصه، می‌توان گفت: وجود شیعیان متحیر و سرگشته پس از امام، که به علت مسائل امنیتی بسیاری از آنان از تولد فرزند امام آگاه نبودند، دستگاه خلافت و حرص برای یافتن مهدی موعود علیه‌السلام و وجود جعفر حریص و آزمند، انگیزه‌ای شد برای حَدِيث (یا صقیل یا هر دو) که با ادعای بارداری کنیز از امام علیه‌السلام، هم فرصتی به شیعیان دهند تا اطلاع‌رسانی صحیح نسبت به امام بعدی صورت گیرد و هم ذهن دستگاه حکومت را منحرف کنند و هم جعفر را برای مدتی ساکت گردانند تا در این فرصت، بتوانند امام علیه‌السلام را حفظ کرده، آرامش نسبی در بیت امامت ایجاد کنند؛ چنان‌که پس از انقضای مدت، برای اثبات این مدعا، دو حادثه بزرگ یعنی

شورش صاحب الزنج و مرگ ناگهانی یحیی بن خاقان به طور طبیعی افکار دشمن را به خود مشغول کرد (ابن بابویه: ۴۷۶).

۳-۸- تقویت و اعتباربخشی مجدد به فعالیت‌های سازمان وکالت (زمینه‌سازی برای حاکمیت

فقها و علما)

یکی از مهم‌ترین اقدامات امام هادی علیه السلام برای ورود شیعه به عصر غیبت، تقویت «سازمان وکالت» بود. این سازمان که همان نظام ارتباط امام با شیعیان به وسیله وکلا بود، ریشه در عصر امام صادق علیه السلام داشت و در طی ده‌ها سال فعالیت خود با فراز و نشیب‌هایی مواجه بود. در عصر امام هادی و عسکری علیهما السلام اقداماتی از سوی آن بزرگواران برای سازمان‌دهی و تقویت این سازمان صورت گرفت. این کار از آن رو انجام شد که شیعه، رفته رفته به عصر غیبت نزدیک‌تر می‌شد و در چنین عصری، این نهاد وکالت بود که تنها راه ارتباطی شیعه با امام معصوم علیه السلام بود.

از جمله اقدامات امام هادی علیه السلام در جهت تقویت و سامان‌مند کردن فعالیت‌های «سازمان وکالت»، می‌توان به سفارش مؤکد آن حضرت به وکلا برای حفظ نظم در امور و رعایت محدوده و قلمرو خاص خود و عدم دخالت در امور سایر وکلا اشاره کرد. اهتمام آن امام بر تعیین جانشین برای وکیل قبل و عدم بروز گسستگی در کار وکالت نواحی، از دیگر اقدامات بود. نکته قابل توجه اینجاست که نایب اول امام زمان علیه السلام از حدود ۱۱ سالگی در منزل امام هادی علیه السلام حضور دارد و تحت تربیت ایشان. امام روزی خطاب به احمد بن اسحاق قمی فرمود:

«ابوعمر و عثمان بن سعید عمری نایب اول) مورد اعتماد و امین من است. آنچه به شما می‌گوید، از من می‌گوید و آنچه به شما می‌رساند، از من می‌رساند».

امام هادی علیه السلام علاوه بر تقویت سازمان وکالت بیانی روشن در زمینه تحقق خط‌مشی رهبری در عصر غیبت دارد که به این وسیله هم مقامی بس رفیع برای فقها و نواب عام خویش ترسیم می‌کند، هم مراجعه را به دیگران و خصوصاً حکومت‌ها و دولت‌های باطل و طاغوتی را نفی می‌نمایند:

عمرو بن حنظله از امام صادق می‌پرسد: اگر دو نفر از شیعیان در یک مسأله اقتصادی یا مورد ارثی با هم اختلاف داشتند، آیا می‌توانند به سلطان یا حاکمی از طرف سلطان رجوع کنند، امام صریحاً می‌فرماید: نمی‌توانند؛ زیرا این رجوع به طاغوت است. حضرت در ادامه سخنان خود می‌فرماید باید آن دو نفر نگاه کنند که هر کس از شما که حدیث ما را گزارش و روایت می‌کند در حلال و حرام و تشخیص و استنباط احکام وارد است، باید آن‌ها به داوری او رضایت دهند، زیرا من او را بر شما حاکم ساختم و هرگاه حکمی کند که مطابق حکم ما باشد و از وی قبول نشود، حکم خدا سبک شمرده شده



و سخن ما را رد کرده است و هر کس سخن ما را رد کند، خدا را رد کرده و رد خدا در ردیف شرک به خدا است.

اما امام هادی علیه‌السلام با صراحت هر چه تمام‌تر این موضع حساس را توجیه می‌کند که: اگر بعد از غیبت قائم ما علمائی نبودند که مردم را به آن حضرت رهنمون گردند، و از دین وی با دلیل و برهان الهی حمایت و دفاع نمایند، و بندگان مستضعف و ناتوان را از دام‌های گسترده شیطان و پیروان آن‌ها و از چنگال و دام نواصب، رها سازند، مسلماً هیچ کس نبود مگر این که از دین خدا روگردان می‌شد، اما علماء و حافظان دین اسلام به دل‌های ضعفای از شیعیان ما چنگ سائیده و آن‌ها را از شرور و فتن محافظت می‌کنند. درست به همان گونه که ناخدای کشتی سرنشینان آن را نگه می‌دارد، این‌ها در نزد خداوند بسی افضل و برترند (ر. ک: ابن بایویه: ۳۷۹-۳۸۳).



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در نوشتار حاضر دیدیم در ادامه دشمنی‌های غرب با اسلام و تشیع، عده‌ای مغرض با همراهی جمعی جاهل و نادان در قالب‌های ترویج اخبار، تصاویر و ادعاهای دروغین درباره ظهور، استفاده در طنزها و کاریکاتورها و مطالب سخیف، مبتذل و موهن، موسیقی و اشعار موهن به اهانت به امام هادی علیه السلام مبادرت ورزیده‌اند که دلایل دشمنی ایشان با امام هادی علیه السلام را در دسته کلی دلایل اعتقادی: دین و ولیّ ستیزی در تاریخ (شبهه‌پراکنی و تضعیف باورها، فرقه‌سازی از طریق بدل‌سازی و ساختن شبیه برای اولیای دین، تقدس‌زدایی و حرمت‌شکنی از طریق تحریف، تصحیف و تمسخر باورها)، دلایل سیاسی: با توجه به شرایط معاصر دنیا و جمهوری اسلامی (تمرکز دشمنی‌ها، انحراف اذهان مخاطبان از امام مهدی علیه السلام و ظهور ایشان، به وجود آوردن استبعاد ذهنی و شاید عملی درباره ظهور، گفتگو از امام عصر علیه السلام در دولت‌های نهم و دهم بخصوص در عرصه بین‌الملل و سازمان ملل) و دلایل تاریخی: سیره و شخصیت امام هادی علیه السلام (نقش کلیدی در ماجرای امام عصر علیه السلام: انتخاب و شناسایی همسر امام عسکری علیه السلام، برخورد قاطع و ترور غالیان، زمینه‌سازی زیرکانه و عملی برای غیبت، تبیین صریح اعتقادات شیعه به خصوص زیارت جامعه کبیره، شباهت لقب: هادی و مهدی، تربیت همسر جهت رهبری شیعه در ابتدای غیبت، تقویت و تنفیذ مضاعف سازمان وکالت (زمینه‌سازی برای حاکمیت فقها و علما) می‌توان دسته‌بندی نمود.

ضروریست از این پس اقدامات دشمنان به طور کامل رصد شده و علاوه بر آگاهی بخشی به خواص، آموزش‌های اعتقادی و تبیینی لازم به عموم مردم نیز ارائه شود، تا حداقل آسیب را از این نوع جنگ نرم آنان شاهد باشیم.



منابع

الف. کتاب‌ها و مقالات فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی صدوق (۱۴۰۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق و تصحیح علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴. اسعدی، مرتضی (۱۳۸۱)، مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان، تهران: سمت.
۵. الویری، محسن (۱۳۸۱)، مطالعات اسلامی در غرب، تهران: سمت.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، ادب فنای مقربان، محقق: محمد صفایی، چاپ دوم، قم: نشر اسراء.
۷. حسینی، غلام احیا (۱۳۸۶)، شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان، قم: موسسه شیعه‌شناسی.
۸. الساده، مجتبی، (۱۳۸۳)، شش ماه پایانی، ترجمه محمود مطهری نیا، تهران: موعود عصر.
۹. شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۵)، پیشگویی‌ها و آخرالزمان، تهران: موعود عصر.
۱۰. صفار قمی، محمد بن الحسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات الكبرى، تحقیق میرزا محسن کوچه باغی، تهران: مؤسسه الاعلمی.
۱۱. طبرسی، فضل بن الحسن (بی‌تا)، اعلام الوری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.



۱۲. طیبی، ناهید (۱۳۸۵)، «مادران امامان شیعه علیه السلام و نقش های سیاسی - اجتماعی آنان»، مجله بانوان شیعه، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵ - شماره ۶ و ۷ (از صفحه ۷ تا ۳۲).
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، **الكافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، بی جا، دارالکتب الاسلامیه، چ سوم.
۱۴. کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ش)، **رجال**، مشهد: انتشارات دانشگاه.
۱۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، **الفصول العشره**، تحقیق شیخ فارس الحسون، بیروت: دارالمفید، ط. الثانيه.
۱۷. همو (بی تا)، **الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، تحقیق مؤسسه آل البیت، بی جا، دارالمفید.

ب. کتاب و مقالات انگلیسی

۱. Furnish, Timothy (۲۰۰۵), **Holiest Wars: Islamic Mahdis, Jihad and Osama Bin Laden** (Westport: Praeger, ۲۰۰۵)
۲. Kohlberg, Etan (۲۰۰۹), "**From Imamiyya to Ithna-ashariyya**". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* ۳۹ (۰۳): ۵۲۱-۵۳۴ (۲۴ December ۲۰۰۹).
۳. Kohlberg, Etan (۱۹۸۷), **Shiism, resistance, and Revolution**, Westview press, co; orado. ۱۹۸۷: Westen Studies Of Shia Islam, pp ۳۱-۴۶.
۴. Spruill, Daniel D. (۲۰۰۶), **Savior or Destroyer?: Is Christianity's Antichrist the Islamic Messiah?**, AuthorHouse (July ۱۹, ۲۰۰۶)

ج. اینترنت

۱. www.balatarin.com